



حمیدرضا شکوهی

مهرماه ۹۲ بود که وزیر نفت در حکمی سیدمهدی حسینی را به سمت ریاست کمیته بازرنگری قراردادهای نفتی منصوب کرد تا نقطه آغازی بر بازرنگری قراردادهای نفتی در جهت جذب شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی باشد تا رخوت حاصل از نزدیک به یک دهه تحریم ضد جمهوری اسلامی ایران، از فضای اقتصادی کشور رخت بربندد. این کمیته در اسفند ۹۲ همایشی را با عنوان همایش هم‌اندیشی قراردادهای جدید نفتی در مرکز همایش‌های صداوسیما برگزار کرد. در سال ۹۳ کار بررسی و تدوین شرایط عمومی قرارداده‌ا آغاز شد و سرانجام همراه سال ۹۴ هیات دولت آن را تصویب کرد. در آذرماه ۹۴ کنفرانس تهران برای تشریح این مدل جدید قراردادهای نفتی برای شرکت‌های خارجی برگزار شد؛ اما در همان زمان مشکلاتی از سوی سازمان بازرسی و برخی منتقدان و کارشناسان به قراردادها وارد شد که وزارت نفت آنها را رفع کرد و سرانجام در تابستان امسال در دولت تصویب شد. پس از تصویب الگوی جدید قراردادهای نفتی در دولت، شاهد تأیید آن در هیأت تطبیق قوانین مجلس شورای اسلامی بودیم که به‌این‌ترتیب موانع قانونی برای اجرایی‌شدن این قراردادهای جدید از سر راه برداشته شد.

البته طولانی‌شدن مدت زمان تصویب الگوی جدید قراردادهای نفتی که هم به دلیل تأخیر در توافق هسته‌ای و لغو تحریم‌ها و هم به دلیل برخی انتقادات نسبت به این قراردادها به‌ویژه با نگرش‌های سیاسی صورت گرفت، جذب شرکت‌های خارجی را با موانعی مواجه کرده و تردیدهایی در شرکت‌های خارجی ایجاد کرده است که تصور می‌کردند هنوز زمینه آن‌گونه که لازم است برای مشارکت در پروژه‌های نفت و گاز ایران فراهم نیست؛ اما دو هفته پیش که نخستین قرارداد با الگوی جدید با یک شرکت ایرانی منعقد شد، عملاً به معنای نقطه پایانی بر اختلافات و مهر تأییدی بر الگوی جدید قراردادهای نفتی بود تا نشان دهد عملاً هیچ مانعی در مقابل انعقاد قراردادهای جدید نفتی نیست.

به نظر می‌رسد پس از مدت‌ها بحث و بررسی، اشکالات موردنظر منتقدان در الگوی جدید قراردادهای نفتی رفع شده و این قراردادها از امتیازاتی همچون حفظ حاکمیت و مالکیت دولت بر مخازن نفت و گاز، همسوسازی منافع طرفین، انطباق با قوانین کشور، بهره‌برداری بهینه و کارآمد، بهبود روند انتقال فناوری از طریق سهیم‌کردن شرکت‌های داخلی و ایجاد شرایط برد- برد برای طرفین قرارداد برخوردار است و به‌طورکلی، می‌تواند ضمن حفظ حقوق و منافع ملی کشور، شرکت‌های خارجی را نیز به فعالیت در صنعت



مجید سلیمی‌بروجنی

در چند ماه اخیر اکثر شرکت‌های بزرگ نفت و گاز جهان، منتظر بودند تا ببینند آنچه به عنوان مدل جدید قراردادهای نفتی ایران معروف به IPC که رونمایی و سپس اصلاح و بازبینی شد، آیا به یک نتیجه برد- برد برای ایران و سرمایه‌گذاران خارجی ختم خواهد شد یا خیر! ظاهراً دولتمردان در اصلاحیه اخیر حدود ۱۵۰ مورد را تصحیح کرده‌اند، اما شایدیم که هنوز برخی منتقدان و نمایندگان مجلس می‌گویند این قراردادها وابستگی ایران را به شرکت‌های خارجی بیش از گذشته خواهد کرد و ثروت‌های ملی را به هدر خواهد داد. اما نباید فراموش کنیم که این‌گونه سروصداها، تنها به ایجاد فضای بی‌اعتمادی در بین سرمایه‌گذاران خارجی منتهی خواهد شد و ریسک سرمایه‌گذاری را در کشورمان بالا خواهد برد و نتیجه کار نیز چیزی به‌جز سرازیرشدن شرکت‌های بزرگ به میادین نفت و گاز همسایگان‌مان که اکثراً نیز میزباین مشترک هستند، نخواهد بود و این یعنی تداوم قصه پر از غم فرار سرمایه‌گذاری خارجی از ایران. صنعت



قبلی بیع متقابل که در دوران دولت اصلاحات مورد استفاده قرار می‌گرفت و ابتدا با نام بای‌بک شناخته می‌شد چه تفاوت‌ها و تمایزاتی دارد؟ قراردادهای بیع متقابل، بخشی از قراردادهای خدماتی هستند. در حقیقت قراردادهای صنعت نفت، با وجود تنوع و تعدد فراوان، از منظر حقوقی و اجرایی عموماً در سه دسته خلاصه می‌شوند که شامل قراردادهای مشارکتی، قراردادهای امتیازی و قراردادهای خدماتی هستند که از این میان صرفاً قراردادهای خدماتی، آن هم با اصلاحاتی، امکان انطباق با قوانین کشور ما را دارند و در ایران می‌توان بر مبنای آن به توسعه میادین پرداخت.

قراردادهای خدماتی از قدیمی‌ترین شکل‌های روابط قراردادی شناخته‌شده محسوب می‌شوند که به سه دسته قراردادهای صرفاً خدماتی، قراردادهای خرید خدمات همراه با ریسک و قراردادهای خدماتی بیع متقابل تقسیم می‌شوند که ازاین‌میان همان‌گونه که ذکر شد در اواخر دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ قراردادهای بیع متقابل در کشور ما مورد استفاده قرار گرفت که همان زمان هم از

نفت و انرژی

توسعه صنعت نفت از مسیر الگوی جدید قراردادهای نفتی

از بیع متقابل تا IPC



سوی برخی مخالفان دولت، با انتقاداتی مواجه می‌شد؛ اما با تغییر دولت و آغاز تحریم‌های غرب ضد ایران و خروج شرکت‌های غربی، دیگر مشارکتی با شرکت‌های خارجی در کار نبود تا نیاز به انعقاد قراردادی باشد.

در قرارداد بیع متقابل، شرکت سرمایه‌گذار خارجی تمامی وجوه سرمایه‌گذاری همچون نصب تجهیزات، راه‌اندازی و انتقال فناوری را بر عهده می‌گیرد و پس از راه‌اندازی به کشور میزبان واگذار می‌کند. بازگشت سرمایه، همچنین سود سرمایه شرکت سرمایه‌گذار از طریق دریافت محصولات تولیدی انجام می‌شود. علت طبقه‌بندی قرارداد بیع متقابل در رده قراردادهای خرید خدمت این است که انجام بازپرداخت اصلی و سود سرمایه‌گذاری از محل مایعات گازی، نفت خام و فراورده‌های نفتی صورت می‌گیرد. این نوع قرارداد در کشورهایایی همچون ایران که قوانین آنها هرگونه مالکیت بخش خصوصی را خارجی را بر صنعت نفت منتفی می‌داند، استفاده می‌شود. روش خاص بازپرداخت هزینه‌های نفتی، این قراردادها را از

حق‌الزحمه، ریسک و هزینه‌های مالی از محل تولیدات میدان بازپرداخت می‌شود که به صورت فروش نفت به قیمت روز و در سقف حداکثر ۶۰ درصد از تولید میدان به شرکت پیمانکار، انجام خواهد شد. اما مهم‌ترین تفاوت قراردادهای جدید با بیع متقابل این است که بازپرداخت‌ها مشروط به عملکرد پیمانکار در طول زمان و میزان تولید شده است تا این امر شریک خارجی را به تولید بیشتر ترغیب کند. اگر به هر دلیلی در فرایند توسعه میدان، کار متوقف شود، تا زمانی که تولیدی صورت نگیرد، پرداختی نیز در کار نیست یا اگر تولید متوقف شود، پرداخت نیز متوقف خواهد شد و همواره بازپرداخت پیمانکار از محل تولید همان مخزن موضوع قرارداد خواهد بود. این مهم‌ترین تفاوت قراردادهای جدید نفتی با بیع متقابل است که البته به سود منافع ملی است. در قراردادهای جدید، مالکیت نفت منتقل نمی‌شود ولی به پیمانکار این تضمین داده می‌شود که به صورت طولانی‌مدت با وی همکاری خواهد شد و این مدت همکاری عاری از هرگونه ریسک قراردادی و غیرقراردادی است.

موارد فوق را می‌توان مهم‌ترین تفاوت بین

قراردادهای بیع متقابل قدیم و قراردادهای بیع

متقابل جدید یا همان الگوی جدید قراردادهای

نفتی دانست که نشان‌دهنده تکامل این گونه جدید

قراردادهاست.

باید پذیریم که در شرایطی که کشور از تحریم

خارج شده و هنوز اعتماد شرکت‌های غربی به

برقراری ثبات اقتصادی در ایران کامل نشده و

ازطرف‌دیگر سایر کشورها به‌ویژه در منطقه، با

ارائه امتیازات متعدد به شرکت‌های خارجی،

زمینه را برای تسریع و تسهیل توسعه میادین

فراهم می‌کنانند، جذب سرمایه‌گذاران خارجی

به‌دشواری امکان‌پذیر خواهد بود و حتی مدل

جدید قراردادهای نفتی ایران نیز با وجود تمام

گشایش‌هایی که نسبت به قراردادهای قبلی

ایجاد کرده، هنوز با آنچه سرمایه‌گذاران خارجی

در فضای رقابتی امروز در نظر دارند فاصله دارد.

همین امر نشان‌دهنده دشواری کار وزارت نفت و

تدوین‌کنندگان الگوی جدید قراردادهای نفتی است

که علاوه بر درنظرگرفتن منافع ملی و مواد قانونی

و به‌موازات توجه به حساسیت‌های متقدان، لازم

بود زمینه ترغیب شرکت‌های خارجی برای حضور

در ایران را هم فراهم می‌کردند که به نظر می‌رسد

الگوی جدید قراردادهای نفتی تا حد زیادی به این

هدف رسیده است. اکنون امید است با توجه به

انعقاد نخستین قرارداد به شکل جدید با یک شرکت

ایرانی، به‌زودی شاهد انعقاد قرارداد با شرکت‌های

خارجی هم باشیم تا تحقق اهداف صنعت نفت در

افزایش تولید نفت و گاز به‌ویژه در میادین مشترک

و همچنین افزایش ضرب بازپافت، تسریع شود که

حاصل آن در میان‌مدت قطعا در ارتقای اقتصاد رشد

اقتصادی کشور، ایجاد رونق اقتصادی و اشتغال‌زایی

تأثیرات مثبتی خواهد داشت.

دولت یازدهم تلاش کند که در چند ماه باقی‌مانده، IPC را اجرایی کند...

گرفته‌اند. اجرایی کنند. از آنجا که قرارداد نفتی در صنعت نفت مانند بخش کوچکی از اتمبیل اقتصاد کشور به شمار می‌رود، کارکرد صحیح اجزای دیگر در عملکرد صحیح آن بسیار مؤثر است. هیچ قراردادی به‌خودی‌خود خوب یا بد نیست و در فضای اجرایی نامناسب هیچ تضمینی برای اجرای مناسب بهترین مدل‌های قراردادی وجود ندارد. تجربه عراق ثابت کرد در چنین فضایی، حتی قراردادی که شرکت‌های معتبر بین‌المللی با تمام تجربه و اعتبار طراحی می‌کنند و با نارضایتی روبه‌رو می‌شود، به‌نظر نمی‌رسد آه برآمده از نهاد شرکت‌های نفتی بین‌المللی در عراق به خاطر مدل قرارداد باشد، چراکه اظهارات آنها نشان می‌دهد، میزان تولید مورد انتظار و بی‌نظمی شدید اداری در آن کشور، همچنین کاهش قیمت نفت که برای آن انعطاف‌پذیری در قرارداد دیده نشده بود، چنین نتیجه‌ای را رقم زده است. اجرای دقیق یک قرارداد در گرو عملکرد دقیق و صحیح همه اجزای داخل و خارج صنعت است، نمی‌توان انتظار داشت یک مدل قرارداد در شرایطی که بسترهای مناسب

کند و جایگاه خود را در اختیار اهداف جریان سیاسی مخالف دولت قرار دهند. ازاین‌رو با توجه به تجربه قراردادهای مختلف نظیر کرستند در بخش نفت یا ال. ۹۰ در بخش خودرو و ریو تینتو در حوزه طلای معدن کردستان، به نظر می‌رسد، مسئولان وزارت نفت و سیاست‌گذاران اقتصادی رده‌بالای کشور بهتر است با درک فضای موجود و استراتژی متقدان، به دنبال ارائه پاسخ‌های مشمول به افکار عمومی باشند و اجازه ندهند سرمایه‌گذاری‌های نفتی بیش از این به تأخیر بیفتد. به اعتقاد کارشناسان لازم است دولت با توجه به تصویب قراردادهای جدید نفتی، خود پشت این قراردادها بایستد و اجازه ندهد مخالفان در تعویق اجرای این قراردادها موفق شوند. دولت یازدهم تنها کمتر از یک سال وقت دارد تا این قراردادها را اجرایی و کشور را از ثمرات آن بهره‌مند کند. بنابراین بهتر است با توجه به فرصت‌سوزی‌های صورت‌گرفته، تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران کشور با جسارت بیشتری به آنچه باور دارند پافشاری کرده و قراردادهای تدوین‌شده را که بارها مورد بازرنگری قرار

تولید) به‌صورت یکپارچه واگذار شوند تا شرکت‌های خارجی، انگیزه بیشتری برای حضور در صنعت نفت ایران داشته باشند. در این نوع قرارداد، مالکیت مخزن انتقال‌پذیر نیست و تولید صیانتی از مخزن، یکی از بحث‌های مهم است. جذب سرمایه‌گذار، انتقال تکنولوژی، تولید صیانتی از مخزن، افزایش ضریب بازپافت و استفاده بیشتر از توان پیمانکاران داخلی، از مهم‌ترین اهداف مدل جدید قراردادهای صنعت نفت عنوان شده است. این تیپ قراردادها، قرار است جایگزین قراردادهای سابق معروف به بیع متقابل شوند. متأسفانه در دو سال گذشته برخی همواره بر طبل مخالفت خود کوبیده و اصولاً با ورود هر گروه از سرمایه‌گذاران خارجی به کشور مخالفت می‌کنند. این عده نتنها در بخش نفت بلکه در بخش‌های دیگری مانند معادن و صنایع مصرفی، خودرو، صنایع الکترونیکی و های‌تک، سد و میدان مشترک و... با گرفتن شریک خارجی به مخالفت می‌پردازند، بلکه همواره درصدد آن هستند تا با گرفتن بهانه‌های مختلف از هر اقدام مثبت برای بهترشدن اقتصاد کشور جلوگیری

نفت و گاز کشورمان در دو، سه سال اخیر به این نتیجه رسیده بود که به دلیل به‌روزکردن تاسیسات و افزایش ظرفیت تولید، نیاز به تدوین قراردادهای جدید و جذب سرمایه‌های خارجی دارد. بنابراین وزیر نفت، گروهی را مسئول تدوین این قراردادها کرد. شرکت‌های خارجی و کسانی که هم سرمایه و هم تکنولوژی داشتند، اعلام کرده بودند که دیگر در قالب قراردادهای بیع متقابل حاضر به مشارکت در پروژه‌های ایران نیستند. درنهایت الگویی انتخاب شد که نامش IPC شد. در چنین شرایطی به نظر می‌رسید با الگویی که تا حدودی قابلیت انعطاف‌پذیری برای مذاکره درباره آن وجود دارد، وارد بازار جذب سرمایه و تکنولوژی شویم. ما برای رسیدن به اهداف چشم‌انداز نیاز به جذب سرمایه و تکنولوژی داریم بنابراین رفع این نیازها می‌تواند بر رفع ایرادات کوچک اولویت داشته باشد. باید قبول کنیم که برخی مسائل مانند انتقال تکنولوژی با زور انجام نخواهد شد، بلکه با تعامل انجام‌شدنی است. در قراردادهای جدید نفتی، قرار بر این است که حلقه‌های مختلف صنعت نفت (اکتشاف، توسعه و

جایگاه استراتژیک حفاری دریایی در توسعه صنعت نفت

حفاری در آب‌های عمیق است؛ ذخایری که در صورت بهره‌برداری، می‌تواند تضمین‌کننده منابع انرژی کشور در صد سال آینده باشد. اهمیت حفاری در حوضه خزر نیز کمتر از خلیج فارس و عمان نیست.

با توجه به گستردگی میدان‌های نفتی و گازی ایران در حوضه دریایی، لزوم توجه به صنعت حفاری، به عنوان کلید فتح مخازن هیدروکربوری، بیش‌ازپیش خود را نمایان می‌کند. متأسفانه ایران، نه‌تنها از نظر تعداد دکل‌های فعال در دنیا رشد چشم‌گیری نداشته است، بلکه در حوضه خاورمیانه هم بعد از کشورهای

در خشکی قرار گرفته است. در طول مرز مشترک آبی ایران و عربستان، کویت، امارات متحده عربی و عمان میدان‌های نفتی مانند اسفندیار، فروزان، فرزاد A، فرزاد B، میدان نفتی و گازی آرش، میدان نفتی فرام، میدان نفتی نصرت، میدان نفتی مبارک و میدان نفتی سلمان، در مجاورت مخازن اماراتی قرار دارد که این امر، اهمیت حفاری را در بخش دریا، دو چندان می‌کند. هم‌اکنون نیز در دریای عمان، ذخایر انرژی نامتعارف (هیدرات‌های گازی) شناسایی شده است که استحصال آنها نیازمند دستیابی به تکنولوژی

خدمات جنبی حفاری، دستیابی به تکنولوژی ازدیاد برداشت و افزایش تولید از مخازن و میدان‌های هیدروکربوری و اجرای طرح‌های بهینه تولید ثانویه نفت و گاز، به‌ویژه در میدان مشترک پارس جنوبی، در اولویت برنامه‌های پژوهشی وزارت نفت در بخش بالادستی قرار گرفت. براساس آخرین آمار، ایران هم‌اکنون ۲۸ میدان نفتی و گازی مشترک با کشورهای همسایه (کویت، قطر، بحرین، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، عراق و ترکمنستان) دارد که از میان آنها، ۱۵ میدان در آب‌های خلیج فارس و بقیه

خشکی، فعال است که این شش دکل، در سراسر حوضه‌های رسوبی به‌ویژه حوضه رسوبی زاگرس، در حال فعالیت هستند. با توجه به اجرای برنامه پنجم توسعه و افزایش یک‌میلیون‌بشکه‌ای تولید نفت خام و همچنین افزایش تولید گاز طبیعی به یک میلیارد مترمکعب، ساخت تجهیزات صنایع بالادستی نفت و گاز از اولویت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. براین‌اساس، ساخت تجهیزات نخستین دکل حفاری با برزد ملی و صادراتی در بخش خشکی و دریایی، ساخت لوله مغزی سیار درون چاهی، ساخت ادوات

فروغ گشتاسبی: ایران به عنوان کشوری با پتانسیل بالا برای تولید منابع هیدروکربوری، نقشی مهمی برای حضور در عرصه تصمیم‌گیری‌های بنیادین جهان انرژی دارد؛ ازاین‌رو، کارشناسان امر بر لزوم استحصال نفت و گاز در میدان‌های مشترک با اولویت تولید صیانتی، توسعه اکتشاف به‌ویژه در مناطق مرزی و پژوهش و توسعه زیرساخت‌ها در صنایع بالادستی نفت و گاز، تاکید دارند. براساس برنامه پنج ساله چهارم و پنجم توسعه، سالانه شش دکل به امر اکتشاف اختصاص می‌یافت. در سال جاری نیز همچنان شش دکل